



#### واژگان کلیدی

- زبان
- تالشی
- فعل
- پیشوند

## فعل پیشوندی در تالشی

دکتر علی رفیعی جیردهی  
استادیار دانشگاه گیلان

### چکیده

افعال پیشوندی در تالشی، با توجه به گوناگونی پیشوندهای فعلی، از گستردگی خاصی برخوردارند. این گستردگی موجب شده است تا گویندگان این زبان بتوانند مفاهیم و جملات مختلف را با افعال مستقل بیان کنند. پیشوندهایی که همراه این افعال می آیند، در موقعیتهای گوناگون، بار معنایی متنوع و متعددی به آنها می بخشند. در این مقاله با تکیه بر شواهد متعدد، ابتدا افعال پیشوندی در تالشی گروه بندی و سپس معانی مختلف هر گروه بررسی شده است. این گروه بندی مشخص می کند که هفت پیشوند فعلی معنی ساز در تالشی وجود داشته است که اکثر آنها تا امروز مفاهیم خود را حفظ کرده اند. در این میان نمونه هایی هم می توان یافت که به مرور زمان معانی پیشین خود را از دست داده اند.

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: alirafie@guilan.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۸/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۱۰/۲۳



## مقدمه

تالش سرزمینی است که در سواحل غربی دریای خزر، از شمال تالاب انزلی تا دلتاها و مصب رودخانه کورا امتداد دارد (راهنمایی، ۱۳۸۰: ۹) مردم این نواحی به زبانی سخن می گویند که به تالشی زبانزد است. تالشی از زبانهای ایرانی شمال غربی است که تا قرن دهم هجری علاوه بر گیلان در آذربایجان و اردبیل نیز رایج بوده است (خانلری، ۱۳۷۷: ۲۹۸). برخی از زبان شناسان آن را در گروه زبانها و گویشهای سواحل دریای خزر جای داده اند (Benveniste, 1952.: 31). تالشی به سه دسته شمالی، جنوبی و مرکزی قابل دسته بندی است؛ اگر چه در یک نگرش کلی تر به دو دسته شمالی و جنوبی تقسیم شده است (یارشاطر، ۱۳۳۶: ۳۵). هر یک از این دسته ها نیز دارای گونه های مختلف اند. اصلی ترین پیشوندهای فعلی در تالشی عبارتند از: آ(ر)-[â(r)-]، وی(ر)-[vi(r)-]، پ(ر)-[pe(r)-]، د(ر)-[da(r)-]، جی(ر)-[ji(r)-]، بر[bar-]، و رو [ru-] (۱) که هر یک با افزوده شدن بر افعال ساده، فعل پیشوندی می سازند. ما در اینجا این افعال را همراه با فهرستی از آنها مورد بررسی قرار می دهیم. (۲) پیکره کار ما در این تحقیق، اگرچه بر اساس تالشی جنوبی و گونه آلیانی (از دهستان های توابع فومن) است، در کلیات مشمول دیگر دسته ها و گونه ها هم می تواند باشد.

## افعال پیشوندی با پیشوند آ(ر)-[â(r)-]

این دسته از افعال، نسبت به دیگر افعال پیشوندی در تالشی، از کاربرد بیشتری برخوردارند. بیشترین بار معنایی این دسته از افعال نیز "تکرار" و "تجدید" است؛ اما پیشوند این نوع فعلها، گاه، از این امر عدول کرده، مفهوم پیشوندی خود را از دست می دهد که معانی مختلف این دسته از افعال، در نمونه های زیر آمده است:

آبخشه [âbaxše]: دوباره بخشیدن، مکرر بخشیدن

آبه [âbe]: ۱- شدن ۲- باز شدن، گشوده شدن.

آپرچینده [âparçinde]: ۱- سر و سامان دادن ۲- آباد کردن ۳- سپری کردن دوره بیماری.

آپشته [âpəšte]: ۱- کوبیدن، کوفتن، زدن ۲- باز کوبیدن، مکرر کوفتن.

آتاره [âtâre]: ۱- باز کشیدن ۲- کشیدن (مانند کشیدن کباب از سیخ).

آتاشه [âtâše]: ۱- باز تراشیدن، مکرر تراشیدن ۲- سطح چیزی را تراشیدن.

آجیله [âjîle]: وارد شدن، افتادن (مانند آب افتادن در دهن)

آچاکنده [âčâkənde]: ۱- باز شکستن ۲- شکستن (متعدی)

آچکه [âčake]: ۱- باز شکستن ۲- شکستن (لازم)

آچیکاونده [âčikâvənde]: ۱- باز چسباندن ۲- چسباندن.

آچیکه [âčike]: ۱- باز چسبیدن ۲- چسبیدن.

آچینه [âčinde]: ۱- باز کردن، ازهم جدا کردن ۲- متقاعد کردن.

آخونده [âxunde]: ۱- بازخواندن ۲- طعنه زدن.

آدشته [âdešte]: ۱- باز دوختن ۲- دوختن.

آدوئه [âdue]: ۱- باز دادن ۲- دادن ۳- فرستادن ۴- فرسودن.

آدوشه [âduše]: ۱- باز مکیدن ۲- مکیدن.

آرسه [ârase]: ۱- باز رسیدن ۲- رسیدن.

آرگنده [ârgende]: ۱- آویختن ۲- سقط کردن.

آزونوسه [âzunuse]: ۱- باز شناختن ۲- شناختن.

آسمیاونده [âsamiâvənde]: دلسرد کردن.

آسوئه [âssue]: ۱- باز مالیدن ۲- مالیدن.

آشونده [âšunde]: ۱- باز پاشیدن ۲- پاشیدن.

آفلآونده [âflâvənde]: ۱- بازگو کردن ۲- ادای کسی را درآوردن.

آکرده [âkarde]: ۱- باز کردن ۲- کفایت کردن.

آکوئه [âkkue]: ۱- باز کوبیدن ۲- دmq کردن.

آگاردنده [âgârdənde]: بازگرداندن، برگرداندن.

آگرده [âgarde]: بازگشتن، برگشتن.

آگته [âgete]: باز گرفتن، برداشتن.

آلیشته [âlište]: ۱- بازلیسیدن ۲- لیسیدن.

آلوه [âllue]: ۱- باز تکا ندن ۲- تکاندن.

آمنده [âmande]: ۱- باز ایستادن ۲- گیر کردن.

آنشوه [ânəšue]: باز نشا ندن، دوباره کاشتن.

آنوه [ânue]: ۱- باز نهادن ۲- چسباندن، مماس کردن.

آنیویشته [ânivište]: باز نوشتن.

آوسه [âvase]: ۱- بستن، به سر کردن ۲- باز بستن، دوباره به سر کردن (روسری)

آوشته [âvašte]: ۱- باز پریدن، باز جهیدن ۲- پریدن، جهیدن ۳- جدا شدن، دور شدن.

آورده [âvørde]: ۱- باز بریدن ۲- بریدن ۳- تعیین کردن، طی کردن.

آوشکنده [âvəškənde]: ۱- مکرر گشتن ۲- زیرورو کردن.

### افعال پیشوندی با پیشوند پ (r) [pe(r)]

این دسته از افعال نیز از پرکاربردترین افعال پیشوندی در تالشی محسوب می شوند. بیشترین بار معنایی پیشوند این فعل ها، " فرا "، " فراز "، " به سوی بالا " و مفاهیمی نظیر آن است. با این وجود در پاره ای موارد، این معانی، امروزه، متروک شده است. مهم ترین این دسته از افعال عبارتند از:

پتیلونده [petilāvənde]: فرا دواندن، به طرف بالا دواندن.

پتيله [petile]: فرا دويدن، به سوی بالا دويدن.

پچیکه [pečike]: به بالا چسبیدن.

پچینه [pečinde]: برداشتن، گرد آوردن و برداشتن.

پخارنده [pexârənde]: فرا خارانندن، از پایین به بالا خارانندن.

پدشته [pedešte]: فرا نگرستن، به بالا نگاه کردن.

پدوه [pedue]: به سمت بالا فرستادن.

- پراکرده [perâkarde]: ۱- فرافرستاندن ۲- بالازدن (آستین و نظایر آن)  
 پراگاردنده [perâgârdænde]: فرا برگرداندن، به سمت بالا برگرداندن.  
 پراگته [perâgete]: به بالا سوق دادن.  
 پرسه [perase]: ۱- فرا رسیدن ۲- بالیدن.  
 پرنته [perænte]: به طرف بالا کشیدن.  
 پرگنده [pergende]: ۱- به بالا پرت کردن ۲- آواز سر دادن  
 پرورده [pervarde]: ۱- به بالا آوردن، به سمت بالا کشاندن ۲- بالا آوردن، استفراغ زدن.  
 پرمه [perme]: ۱- بالا آمدن ۲- درآمدن (گیاه) ۳- ظاهر شدن.  
 پسوئه [pessue]: پسودن، بسودن، مالیدن.  
 پشه [peše]: فرا رفتن، بالا رفتن.  
 پکرده [pekarde]: ۱- فرا فرستادن ۲- پاشیدن.  
 پگاردنده [pegârdænde]: فرا برگرداندن، به طرف بالا برگرداندن.  
 پگرده [pegarde]: فرا برگشتن، به سمت بالا برگشتن.  
 پلکه [pelake]: ۱- بر چیزی افتادن، روی چیزی افتادن ۲- روبه رو شدن.  
 پلیشته [pelište]: فرا لیسیدن، از پایین به بالا لیسیدن.  
 پنوئه [penue]: نهادن، چیزی را بر چیزی نهادن.  
 پوازنده [pevâzænde]: فرا فرستادن، به بالا پرت کردن.  
 پوته [pevate]: کندن، درآوردن، از سر بیرون کشیدن.  
 پوشته [pevašte]: فرا رفتن، به سمت بالا رفتن.  
 پوشته [pevâšte]: ۱- به هم پیچیدن ۲- گیر دادن، سؤال پیچ کردن.  
 پوراشته [pevrâšte]: عمود گذاشتن، به طور عمود قرار دادن.

### افعال پیشوندی با پیشوند دَ (r) [da(r)]

پیشوند این گروه از افعال، همان " در " فارسی امروزی است که در فارسی میانه به صورت " اندر " بوده است؛ این پیشوند اگرچه اغلب بدون همخوان " ر " ظاهر می‌گردد، با این همخوان نیز کاربرد دارد. معادل آن در فارسی " در " و " داخل " است؛ اگرچه گاه بدون این مفهوم هم مستعمل است. معروف‌ترین افعالی که با این پیشوند، فعل پیشوندی می‌سازند، عبارتند از:

دبخشه [dabaxše]: بخشیدن، به حراج گذاشتن.

دبه [dabe]: ۱- ریخته شدن در ۲- بسته شدن.

دپشته [dapəšte]: ۱- در چیزی بستن، داخل چیزی پیچیدن ۲- چپاندن، در چیزی فشردن.

دپراشته [daprāšte]: در چیزی به طور عمود قراردادادن.

دتاره [datāre]: ۱- بر گرفتن چیزی از داخل ظرفی ۲- غارت کردن، قاپیدن.

دتیله [datile]: دویدن به داخل، بسرعت داخل شدن.

دتراکنده [datrākənde]: در داخل ترکاندن .

دترکه [datrake]: در داخل ترکیدن.

دچیکاونده [dačikāvənde]: چسباندن در چیزی.

دچینه [dačinde]: ۱- چیدن در ، داخل چیزی چیدن ۲- روی هم چیدن.

دخشارده [daxašārde]: فشردن در ، تپاندن.

دخته [daxəte]: خوابیدن در، داخل چیزی خوابیدن.

دخساونده [daxəsāvənde]: خیسانیدن در.

ددشته [dadešte]: داخل چیزی را دوختن.

درگنده [dargende]: انداختن در، داخل کردن.

درمه [darne]: داخل شدن، وارد شدن.

درورده [darvarde]: به داخل سوق دادن.

دکرده [dakarde]: ۱- ریختن در چیزی ۲- پوشیدن ، به تن کردن.

دکرندہ [dakrənde]: چیزی را داخل چیزی کشیدن (مانند کشیدن فاشق در ته دیگ)  
 دگته [dagete]: بار زدن در، در چیزی بار زدن.  
 دلکه [dalake]: افتادن در، در چیزی افتادن.  
 دلیشته [dalište]: لیسیدن در، داخل چیزی را لیسیدن.  
 دمنده [damande]: ماندن در، گیر کردن.  
 دنوئه [danue]: گذاشتن در چیزی، وارد کردن.

### افعال پیشوندی با پیشوند وی (r)-[vi]

این افعال با پیشوندی می آیند که مفهوم "فرو" یا "فرود" دارد و از نظر معنی نقطه مقابل افعال پیشوندی دارای پیشوند "پ (r)-[pe]" می باشند؛ مانند "ویشه" [više] (فرو رفتن) که نقطه مقابل "پشه" [peše] (فرارفتن) است. برخی از این افعال عبارتند از:

ویبرده [vib(v)arde]: فروبردن، بلعیدن.  
 ویبرده [vib(v)ərde]: از بالا به پایین بریدن.  
 ویبرمه [vibrəme]: گریستن، اشک فرو ریختن.  
 ویتاره [vitāre]: از بالا به پایین کشیدن (مانند کشیدن کباب از سیخ کباب)  
 ویتاشه [vitāše]: از بالا به پایین تراشیدن.  
 ویتيله [vitile]: دویدن (از بالا به پایین)  
 ویچیره [vičire]: سرازیر شدن، جاری شدن.  
 ویدشته [videšte]: فرو نگرستن.  
 ویرابه [virābe]: سرازیر شدن، روانه شدن به پایین.  
 ویراکرده [virākarde]: سرازیر کردن، روانه کردن به پایین.  
 ویرنته [virənte]: فرو کشیدن، به پایین کشیدن.  
 ویروفته [virufte]: از بالا به پایین روبیدن.  
 ویرگنده [virgende]: به پایین پرت کردن.

- ویرمه [virme]: فرود آمدن، پایین آمدن.  
 ویرورده [virvarde]: فرود آوردن، پایین آوردن.  
 ویژنده [vižande]: فرو کردن.  
 ویشه [više]: ۱- فرو رفتن، به پایین رفتن ۲- غش کردن.  
 ویکرده [vikarde]: ۱- فروریختن ۲- پایین آوردن.  
 ویلکه [vilake]: به پایین افتادن، سقوط کردن.  
 ویمرده [vimarde]: بی حس شدن، بی حال شدن.  
 ویمنده [vimande]: ۱- ایستادن ۲- مکث کردن ۳- بازماندن.  
 ویوشته [vivašte]: از بالا به پایین پریدن.

### افعال پیشوندی با پیشوند جی(ر)[ji(r)]

- پیشوند این افعال در مفهوم "کنار" و "پهلوی" به کار می رود؛ هرچند در پاره ای موارد از مفهوم اصلی خود عدول می کند. مشهورترین افعال این گروه عبارتند از:
- جیشاونده [jipəšâvənde]: برخورد دادن، به هم کوفتن (از پهلوی).  
 جیشیه [jipəšie]: برخورد کردن (از پهلوی).  
 جیتاره [jitâre]: از پهلوی کشیدن.  
 جیتاشه [jitâše]: از پهلوی تراشیدن.  
 جیچیکه [jičike]: از پهلوی چسبیدن.  
 جیدشته [jidešte]: زیر چشمی نگاه کردن، چپ چپکی نگریستن.  
 جیرننه [jirənte]: از پهلوی کشیدن، از پهلوی بیرون کشیدن.  
 جیزارنده [jizârənde]: از کنار پاره کردن، جر دادن.  
 جیزره [jizere]: جر خوردن.  
 جیژنده [jižande]: ۱- فروزدن، فروکردن (از کنار) ۲- فروخزاندن (از کنار).  
 جیسنده [jisənde]: ریشه کن کردن.



- جیسیه [jissie]: ریشه کن شدن.  
 جیشه [jiše]: ۱- فرورفتن (از کنار) ۲- فروخزیدن (از کنار).  
 جیکرده [jikarde]: گسترده، پهن کردن.  
 جیمنده [jimande]: کمین کردن.  
 جینوئه [jinue]: گذاشتن چیزی کنار چیزی.

### افعال پیشوندی با پیشوند بر [bar-]

- معنی این دسته از افعال پیشوندی، نقطهٔ مقابل مفهوم افعال پیشوندی گروه سوم اند؛ زیرا پیشوند "بر" بر عکس پیشوند "در" عمل می کند. اهم این افعال عبارتند از:
- برننه (برینته) [barənte]: بیرون آوردن، بیرون کشیدن.  
 برسوئه [barsue]: قاپیدن، در بردن.  
 برشه [barše]: بیرون رفتن.  
 برکرده [barkarde]: بیرون کردن.  
 برگنده [bargende]: ۱- بیرون انداختن ۲- انداختن.  
 برمه [barme]: بیرون آمدن، خارج شدن.  
 بروازنده [barvāzənde]: بیرون پراندن، بیرون راندن.  
 برورده [barvarde]: ۱- بیرون آوردن ۲- ربودن.  
 بروشته [barvašte]: بیرون پریدن، بیرون جهیدن.

### افعال پیشوندی با پیشوند رو [ru-]

- این دسته از افعال، ظاهراً خاص تالشی جنوبی است و در تالشی شمالی و مرکزی کاربرد ندارد (رک. رضایتی، ۱۳۸۲: ۱۸)، این فعلها در تالشی جنوبی همانند فعلهای پیشوندی دارای پیشوند "فرو" مفاهیم "زیر"، "به سوی پایین" و نظایر آن را در بر دارد. معروفترین افعال این دسته عبارتند از:

- روشه [ruše]: فرو افتادن، به پایین افتادن.
- رو کرده [rukarde]: ۱- فرو ریختن ۲- فرو فرستادن.
- رولانکنده [rulâkande]: فرو انداختن، به پایین انداختن.
- رولکه [rulake]: فرو افتادن، به پایین افتادن.
- رووازنده [ruvâzænde]: فرو انداختن.
- روورده [ruvarde]: فرو بلعیدن، قورت دادن.
- رووشته [ruvašte]: فرو افتادن.
- روویرده [ruvjarde]: به پایین رفتن، به سمت پایین روانه شدن.
- رویگنده [rujgende]: فرو انداختن.

### افعال دو پیشوندی

برخی از افعال پیشوندی تالشی می توانند دوباره پیشوند بگیرند. البته تعداد این دسته از فعلها بسیار اندک است و از طرف دیگر شامل همه پیشوند ها نمی شود و تنها پیشوند های [â-]، پ[pe-] و وی[vi-] می توانند چنین نقشی را ایفا نمایند:

به [be] (بودن) ← آبه ← پرابه، ویرابه.

دوئه [due] (دادن) ← آدوئه ← پرادوئه، ویرادوئه.

کرده [karde] (کردن) ← آکرده ← پراکرده، ویراکرده.

گاردنده [gârdænde] (گرداندن) ← آگاردنده ← پراگاردنده، ویراگاردنده.

گرده [garde] (گشتن) ← آگرده ← پراگرده، ویراگرده.

گنه [gete] (گرفتن) ← آگنه ← پراگنه، ویراگنه.

وشته [vašte] (پريدن) ← آوشته ← پراوشته، ویراوشته.

### افعال پیشوندی فاقد شکل ساده

در میان افعال پیشوندی، نمونه هایی وجود دارد که شکل ساده آنها امروزه، در تالشی جنوبی کاربرد ندارد و می توان احتمال داد که در گذشته به کار می رفته است ولی به مرور زمان کاربرد خود را از دست داده است، شاید هم در برخی از گونه ها نمونه هایی از آنها را بتوان دید. با وجود این، برخی از این نمونه ها با ریشه یابی و یا از طریق بررسی تغییرات آوایی قابل شناسایی اند؛ در مقابل نمونه هایی هم هستند که قضاوت درباره آنها دشوار است. افعالی که در این زیرمجموعه قرار می گیرند عبارت اند از:

پراشته [perâšte] یا وراشته [verâšte]: شکل ساده این مصدر متروک شده است، اما صورت پیشوندی آن وجود دارد: آپراشته [âprâšte]، دپراشته [daprâšte]، وپراشته [vivrâšte] و پوراشته [pevrâšte].

تنده [tande] (تنیدن): از مصدری است که شکل ساده آن نادر است اما افعال پیشوندی آن مانند: آتنده [âtande]، پتنده [petande] و ویتنده [vitande] معمول است.

فرسه [farse] (پرسیدن): مصدری است که امروزه کاربرد ندارد اما با توجه به قریب المخرج بودن ف [f] و پ [p] ارتباط آن با مصدر "پرسیدن" فارسی مسلم است. امروزه به جای شکل ساده این مصدر از شکل پیشوندی آن یعنی دفرسه [dafarse] به همان مفهوم استفاده می شود. علاوه بر آن صورت آفرسه [âfarse] نیز در ترکیبات ظاهر می شود؛ مانند: "دفرس آفرس" [dafarsâfars].

روفته [rufte] (رُفتن، روبیدن): این مصدر به تنهایی کاربرد ندارد و صورتهای پیشوندی آن، یعنی آروفته [ârufte]، پروفته [perufte]، دروفته [darufte] و وپروفته [virufte] معمول است.

خشارده [xašârde] (فشردن): مصدری است که امروزه به همین شکل کاربرد ندارد اما با دو پیشوند د [da-] و وی [vi-]، یعنی به صورت دخشارده [daxašârde] و ویخشارده [vixašârde] مستعمل است.

وسه [vase] (بستن): مصدری است که امروزه معمول نیست اما با توجه به قریب المخرج بودن "و" [v] و "ب" [b] پیوستگی آن با مصدر "بستن" فارسی کاملاً آشکار

است. از این مصدر اشکال پیشوندی آوسه [âvase]، پوسه [pevase]، دوسه [davase] جیوسه [jivase] و ویوسه [vivase] کاربرد دارد.

ونده [vende]: صورت دیگری از مصدر "وسه" و نظیری است برای مصدر "بندیدن" فارسی که نوع پیشوندی آن مانند: آونده [âvende]، جیونده [jivende]، دونده [davende] و ویونده [vivende] وجود دارد.

ویرده [viarde]: از مصادر متروک است اما ویر [viar] در تالشی به معنی "گذار" یا "گذر" صورت اسمی همین مصدر است که هنوز کاربرد دارد. افعال پیشوندی آن نظیر: پویرده [pevjarde]، دویرده [davjarde]، روویرده [ruvjarde] معمول است ولی آویرده [âvjarde] استعمالی نادر دارد که بیشتر در ترکیبات ظاهر می‌گردد؛ مانند: "دویرآویر" [davjarâvjar].

دشته [dešte]: باید دو مصدر به همین صورت وجود داشته باشد؛ یکی به معنی "دوختن" که در آن هیچ ابهامی نیست و دیگری به معنی "نگریستن" یا "نگاه کردن" که امروزه میان تالشان مستعمل نیست ولی اشکال پیشوندی آن را به کار می‌برند؛ مانند: پدشته [pedešte]، ویدشته [videšte] و ددشته [dadešte] که این یکی، گاه، با ابدال [a] به [e] همراه است. گفتنی است که "ددشته" به صورت دیشته [dješte] نیز شنیده شده است، از این رو این احتمال را می‌توان مطرح کرد که شکل ساده مصادر پیشوندی بالا، همین مصدر "دیشته" [dješte] است که با افزودن هر یک از پیشوندها، واکه [j] حذف شده است؛ یعنی امروزه "پدشته"، "ویدشته" و "ددشته" جایگزین پدیشته [pedješte]، ویدیشته [vidješte] و ددیشته [dadješte] شده است.

پوراونده [pevrâvønde] (قلیه کردن گوشت، سرخ کردن): با توجه به قاعده ابدال، [v] پس از [pe] باید تبدیل یافته [p] یا [b] بوده باشد؛ یعنی [pevrâvønde] یا [pebrâvønde] به [pevrâvønde] تغییر یافته است؛ اما دقیقاً نمی‌توان گفت شکل ساده این فعل چه بوده است. با توجه به این که این فعل تنها به همین شکل کاربرد دارد و با پیشوند های دیگر شنیده نشده است در یک نگرش ساده باید گفت که این خود یک فعل ساده است نه

پیشوندی؛ اما در نگاهی دیگر می توان حدس زد که این فعل از افعال پیشوندی است که شکل‌های دیگر پیشوندی آن همانند شکل ساده آن متروک شده است همان طور که خود همین فعل نیز در حال متروک شدن است و امروزه جز در میان تالش‌های مسن و کوه نشین کاربرد چندانی ندارد و به جای آن مصدر «سرکرده» [sərkarde] (سرخ کردن) به کار می رود. گفتنی است که «پوراونده» با توجه به پسوند آن فعلی است "متعدی شده" که صورت "لازم" آن کاربرد خود را از دست داده است اما شکل مجهول آن «پوریه» [pevreje] شنیده شده است که بررسی آن و گمان‌های دیگر در این خصوص در اینجا نمی گنجد.

آجیله [âjîle] (سرازیر شدن، افتادن): این مصدر تنها به همین شکل به کار می رود و بیشتر با کلمه «آب» همراه است. آو آجیله [âv âjîle] (آب افتادن)، دنی آو آجیله [dani â âjîle] (آب در دهان افتادن) ظاهراً فعلی است که تنها با پیشوند [â(r)] کاربرد دارد و با دیگر پیشوندهای فعلی شنیده نشده است و یا باید آن را یک فعل ساده دانست نه پیشوندی.

دجیاونده [daǰiâvõnde] (درد آوردن) و دجیه [daǰie] (درد آمدن) نیز تنها با پیشوند [da] آمده است و حدس فعل قبلی در این باره صادق است.

آچیکاونده [âčikâvõnde]، پیچیکاونده [pečikâvõnde]، جیچیکاونده [ǰičikâvõnde]، دچیکاونده [dačikâvõnde] و ویچیکاونده [vičikâvõnde] از افعال پیشوندی است که شکل ساده آن، ظاهراً باید «چیکاونده» [čikâvõnde] به معنی «چسباندن» باشد که امروزه کاربرد ندارد. صورت "لازم" این فعل یعنی «چیکه» [čike] به معنی «چسبیدن» نیز متروک شده است اما شکل‌های پیشوندی آن همانند صورت "متعدی" فوق الذکر با پنج پیشوند کاربرد دارد: آچیکه [âčike]، پیچیکه [pečike]، جیچیکه [ǰičike]، دچیکه [dačike] و ویچیکه [vičike].

پرنته [perante]، جیرنته [ǰirante]، درنته [darante] و ویرنته [virante] از افعالی هستند که شکل ساده آن ظاهراً باید «رنته» [rante] یا انته [ante] باشد که مفهوم «کشیدن» را در بر دارد اما کاربرد ندارد و تنها افعال پیشوندی آن معمول است.

آفلاونده [âflâvənde]: با توجه به معنی آن «بازگو کردن، ادا در آوردن» بیانگر یک فعل پیشوندی است اما تنها به این شکل کاربرد دارد و با پیشوند های دیگر نمی آید، لذا آن را باید یک فعل ساده انگاشت یا یک فعل پیشوندی که شکل ساده آن متروک شده است. آریه [ârie]، پریه [perie]، جیریه [jirie]، دریه [derie] و ویریه [virie] از افعال پیشوندی است که شکل ساده آن ظاهراً باید [rie] باشد که امروزه کاربرد ندارد اما هرچه باشد در مفهوم «هستن» یا «وجود داشتن» است.

آزره [âzere]، پزره [pezere]، جیزره [jizere] و ویزره [vizere] می تواند از شکل ساده فرضی زره [zere] باشد که امروزه متروک شده است. صورت متعدی این مصدر نیز در شکل ساده ظاهر نمی گردد اما به صورت افعال پیشوندی کاربرد دارد: آزارنده [âzârənde]، پزارنده [pezârənde]، جیزارنده [jizârənde] و ویزارنده [vizârənde].

آسمیه [âsamie]، پسمیه [pesamie] و شکل متعدی آن، آسمیاونده [âsamiaivənde] و پسمیاونده [pesamiaivənde] از مصدری اند که صورت ساده خود را از دست داده اند و خود نیز رو به نابودی هستند.

آسنیه [âsneje] و پسنیه [pesneje] تنها با همین دو پیشوند و بی کاربرد شکل ساده معمول اند. آرگنده [ârgende]، برگنده [bargende]، پرگنده [pergende]، درگنده [dargende]، ویرگنده [virgende] و رویگنده [rujgende] به همین شکل یعنی با شش پیشوند مستعمل اند اما شکل ساده آنها متروک شده است.

پشاونده [pəšâvənde]: با توجه به اینکه برای پشته [pəšte] دو مصدر وجود دارد باید برای «پشاونده» نیز دو مصدر با معانی مختلف فرض کرد؛ یکی به معنی «پیچاندن و بستن» که از آن افعال پیشوندی دپشاونده [dapəšâvənde] و پوشاونده [pevəšâvənde] (با ابدال [p] به [v]) کاربرد دارد و دیگری به معنی «کوبیدن و زدن» که از آن افعال پیشوندی آپشاونده [âpəšâvənde]، جپشاونده [jipəšâvənde] و دپشاونده [dapəšâvənde] ساخته می شود.

افعال پیشوندی پسند [pesənde]، جی‌سند [jisənde]، دسند [dasənde] و ویسند [visənde] جدای از شکل ساده خود کاربرد دارند. شاید بتوان سند [sənde] را برای آن فرض کرد.

مصادر آگزارده [âgəzârde] (سر و سامان دادن، خاتمه دادن)، آلاخنده [âlâxənde] (گیر دادن چیزی به جایی)، آله [âlaxə] (گیر کردن)، آلاونده [âlâvənde] (ساکت کردن، آرام کردن، تسکین دادن)، آلاویه [âlâvie] (ساکت شدن، آرام شدن)، دپاته [dapâte] (باختن)، آموته [âmyte] (آموختن)، پوشته [pevəšte] (گره خوردن، پیچیدن)، آولاکنده [âvlâkənde] (آب اندود کردن) و اولکیه [âvlekie] (آب اندود شدن) از افعالی هستند که تنها به همین شکل کاربرد دارند، نه شکل ساده این افعال معمول است و نه اشکال پیشوندی آنها.

### جدول افعال در مقایسه با کاربرد پیشوندها

در جدول زیر شماری از افعال ساده و پیشوندهایی که با آنها به کار رفته، مشخص شده است:

پیشوند ها							فعلها
رو	وی(ر)	د(ر)	جی(ر)	پ(ر)	بر	آ(ر)	
	*		*	*			آبه [âbe]
	*		*	*			آکرده [âkarde]
	*	*		*		*	اشکوئه [əškue]
	*	*		*	*		اومه [ume]
	*	*				*	اینجده [injənde]
		*				*	بخشه [baxše]

پیشوند ها						فعلها
	*				*	برده [barde]
					*	برشته [bærešte]
	*	*		*	*	برده [bærde]
	*					برمه [bærame]
	*	*	*	*	*	به [be]
			*		*	پراونده [parâvænde]
	*	*		*	*	پرچینده [parčinde]
	*			*	*	پرده [pærde]
					*	پرکاونده [parkâvænde]
					*	پرکه [parke]
	*	*		*	*	پره [pare]
		*		*	*	پشته [pæšte] (بستن)
	*	*	*		*	پشته [pæšte] (زدن)
	*	*	*	*	*	تاره [târe]
	*		*	*	*	تاشه [tâše]
	*	*			*	تاوه [tâve] (حرارت دادن)
	*			*		تاوه [tâve] (پیچیدن)
		*			*	تاونده [tâvænde] (حرارت دادن)
	*			*		تاونده [tâvænde] (پیچاندن)
	*			*	*	تساونده [tasâvænde]
	*			*	*	تسه [tasse]



پیشوند ها						فعلها
	*			*	*	تنده [tande]
	*	*		*	*	تیلاونده [tillävönde]
	*	*		*	*	تيله [tille]
	*	*		*	*	تراکنده [tərâkønde]
	*	*		*	*	ترکه [tərake]
	*	*		*	*	چاکنده [čâkønde]
	*	*		*	*	چکه [čake]
	*	*		*	*	چینه [činde]
	*	*		*		خارنده [xârønde]
	*	*		*		خاره [xâre]
					*	خازیه [xâzie]
	*	*	*	*		خته [xøte]
	*	*	*	*		خساونده [xəsävönde]
*	*		*	*	*	خوئه [xue]
		*		*	*	خونده [xunde]
(نادر)*	*		*	*	*	داشته [dâšte]
	*	*		*	*	دشته [dešte] (دوختن)
*	*		*	*		دشته [dešte] (نگریستن)
	*		*	*	*	دوئه [due]
	*		*	*	*	دوشه [duše]
	*		*	*	*	راسنده [râsøne]



پیشوند ها							فعلها
	*	*		*		*	لوئه [lue]
			*				لیز گیاونده [lizgiâvənde]
			*				لیز گیه [lizgie]
	*	*	*	*		*	لیشته [lište]
	*	*				*	مرده [marde]
	*	*	*	*		*	منده [mande]
		*		*		*	نشته [nəšte]
				*		*	نشوئه [nəšue]
		*	*	*		*	نوئه [nue]
						*	نیویشته [nivište]
*	*	*	*	*	*	*	وازنده [vâzənde]
	*	*	*	*		*	وته [vate]
*	*	*	*	*	*	*	ورده [varde]
*	*	*	*	*	*	*	وشته [vašte]
	*			*		*	وشکنده [vəškənde]

### نتیجه

در تالشی برای دست یابی به معانی مختلف افعال، از هفت پیشوند معنی ساز استفاده می شود. با تعمق در افعال ساده و پیشوندی، می توان دریافت که برخی از این افعال به تدریج، ساختار اولیه خود را از دست داده اند. علاوه بر این در پاره ای موارد نیز شکل ساده افعال از میان رفته است؛ با وجود این اکثر افعال شکل کهن خود را حفظ کرده و هنوز هم کاربرد دارند.

### پی نوشت

- ۱- در آوانگاری واژگان از الفبای بین المللی آوانگاری استفاده شده است، مگر در مواردی که به دلایلی علایم دیگر را جایگزین کرده ایم که برای نمونه چند علامت را یادآور می شویم: صامتهای [ج)، (ش)، [ژ(ی) و...، مصوتهای â (آ)، y(ایو) که مصوتی است پیشین، بسته و بلند.
- ۲- به علت پرهیز از اطاله کلام در مورد هر پیشوند، تنها به چند نمونه اکتفا شده است.

### منابع

BENVENISTE, E (1952) : *Langue indo-européenne*, dans les langues du monde (sous la direction de A. Meillet et M. Cohen), Paris.

راهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۰) «کجایی تالش و کیستی تالشان» مجله تحقیقات تالش، سال اول، شماره اول.

رضایتی، محرم (۱۳۸۲) «مصدر و ساختمان آن در گویش تالشی» مجله تحقیقات تالش، سال سوم، شماره ۱۰ و ۹

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷): *تاریخ زبان فارسی*، ج ۱، تهران، فردوس.

یارشاطر، احسان (۱۳۳۶) «زبانها و لهجه های ایرانی» مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۲.